

چراغ صحنه ها دوباره روشن شد

شکیبا افخمی راد

گزارش روز

پس از چند ماه تعطیلی و رکود ناشی از حوادث دی ماه و شرایط جنگی، چراغ سالن ها و پلاتوهای تئاتر مشهد بار دیگر روشن شده است و پانزده اثر از نمایش های کمدی و ضد جنگ گرفته تا نمایشنامه خوانی و آثار ویژه کودک و نوجوان روی صحنه رفته اند؛ نشانه ای از اینکه تئاتر، با وجود همه فراز و فرودها، همچنان راه خود را به سوی مخاطب پیدا می کند. مادر گزارش پیش رو به سراغ کارگردانان سه اثری رفته ایم که این شب ها درحال اجرا در سالن های تئاتر مشهد هستند و با آن ها درباره نمایش هایشان و وضعیت امروز تئاتر صحبت کرده ایم.

● «سیرک سیار»؛ قصه ای درباره خودباوری و امید نمایش «سیرک سیار» به کارگردانی حامد معمارطهرانی این روزها در سالن بهار پارک ملت مشهد روی صحنه است. این اثر برای مخاطبان کودک و نوجوان تولید شده و داستان پسرپچه ای را روایت می کند که شیفته دنیای سیرک است و آرزو دارد روزی عضوی از آن شود. او در مسیر رسیدن به این آرزو با چالش ها و تردیدهای مختلفی روبه رو می شود، اما با کمک پدربزرگش و اتکا به تلاش و پشتکار، می آموزد که هیچ رؤیایی دور از دسترس نیست.

معمارطهرانی درباره چگونگی شکل گیری این اثر می گوید: تولید «سیرک سیار» از یک دغدغه ساده شروع شد؛ اینکه چطور می توان درباره تلاش، امید و دنبال کردن رؤیاها با زبان کودکان صحبت کرد، بدون اینکه کار به شعار تبدیل شود. از همین رو بعد از خواندن چندین نمایشنامه متن سیرک سیار به نویسندگی اوراند هریس و ترجمه استاد حسین فدایی حسین، بازنویسی ودراماتورژی انجام شد.تارویات برای مخاطب کودک جذاب و پرنکش باشد. پس از آن وارد طراحی صحنه، لباس، موسیقی وتمرینات شدید و تلاش کردیم همه اجزای نمایش در خدمت خلق یک جهان شاد، رنگارنگ و در عین حال تأثیرگذار باشند.

این کارگردان دلیل انتخاب این نمایشنامه را سادگی و صداقت داستان آن بیان می کند و باور دارد فضای فانتزی سیرک فرصت مناسبی برای بهره گیری از تخیل، موسیقی و تصاویر نمایشی جذاب فراهم کرده است. او مهم ترین چالش اجرای «سیرک سیار» را انتقال مفاهیم نمایش بدون افتادن در دام شعارزدگی می داند و یادآور می شود؛ نقطه اوج اثر جایی است که شخصیت اصلی تصمیم می گیرد با وجود همه سختی ها؛ از تلاش دست نکشد؛ لحظه ای که نه تنها برای کودکان، بلکه برای بزرگ سالان نیز قابل لمس و هم ذات پنداری است. این کارگردان در بخش دیگری از صحبت هایش با تأکید بر ویژگی های تئاتر کودک بیان می کند؛ مخاطب کودک صادق ترین مخاطب تئاتر است. اگر با اثر ارتباط برقرار نکند، واکنشش را همان لحظه نشان می دهد و اگر نمایش را دوست داشته باشد، با تمام وجود همراه آن می شود. به همین دلیل تولید یک نمایش موفق برای کودک در بسیاری از مواقع حتی دشوارتر از تولید اثر برای بزرگ سالان است.

معمارطهرانی درباره شروع اجراهای تئاتر در مشهد بعد از یک دوره تعطیلی نیز می گوید؛ خوشبختانه علاقه مردم به تئاتر همچنان وجود دارد. شاید وقفه های پیش آمده، باعث شده مدتی ارتباط مخاطب با سالن ها کمتر شود، اما هر زمان اثری باکیفیت و متناسب با



نمایش «بوم»



نمایشنامه «جمعه ای در خانه مارا»

نیاز مخاطب تولید شده، شاهد استقبال خیلی خوبی بوده ایم. به نظر من مخاطب تئاتر از بین نرفته، فقط باید دوباره برای دیدن تئاتر ترغیب شود. او ادامه می دهد؛ مهم ترین راه، تولید آثار باکیفیت و احترام به مخاطب است. در کنار آن باید تبلیغات هدفمند، برنامه های آموزشی، ارتباط با مدارس و خانواده ها و ایجاد تجربه ای خوشایند از حضور در سالن را جدی گرفت. چون وقتی مخاطب از دیدن نمایش رضایت داشته باشد، خودش بهترین رسانه تبلیغاتی خواهد بود. این کارگردان همچنین با اشاره به محدودیت های اینترنت برای انجام تبلیغات، خواستار حمایت بیشتر مدیریت شهری از تئاتر شد و پیشنهاد بخشی از ظرفیت های تبلیغاتی شهر در اختیار گروه های نمایشی قرار گیرد.

به گفته معمارطهرانی در سطح شهر تعداد زیادی بیلبورد، استرپورد و فضاهای تبلیغاتی در اختیار شهرداری قرار دارد که می توان بخشی از آن ها را در اختیار گروه های نمایشی قرار داد. این اتفاق هم به دیده شدن آثار فرهنگی کمک می کند و هم باعث می شود خانواده ها بیشتر از رویدادهای هنری شهر مطلع شوند. او که باور دارد مهم ترین چالش تئاتر مشهد فاصله میان توانمندی بالای هنرمندان و میزان امکانات و حمایت های موجود است یادآور می شود؛ مشهد هنرمندان خلاق، متخصص و توانمندی دارد که بارها توانایی خود را در سطح ملی ثابت کرده اند، اما برای رشد بیشتر به حمایت های پایدار، افزایش فضاهای نمایشی، تقویت اقتصاد تئاتر و توجه جدی تر به آموزش نیاز داریم. معمار طهرانی ادامه می دهد؛ نکته مهم دیگر این است که بسیاری از ادارات و مجموعه های دولتی و خصوصی دارای بودجه های فرهنگی و هنری هستند، اما متأسفانه در بسیاری موارد این بودجه ها در مسیرهایی غیر از حمایت از تولیدات فرهنگی و هنری هزینه می شوند. به اعتقاد من این موضوع نوعی اجحاف در حق فرهنگ و هنر کشور است. اگر حتی بخشی از این اعتبارات به شکل هدفمند صرف حمایت از گروه های نمایشی، تولید آثار باکیفیت و توسعه زیرساخت های فرهنگی شود،

می تواند تأثیر بسیار بزرگی بر پویایی تئاتر و هنر در شهر مشهد و حتی کشور داشته باشد. هنر هزینه نیست، بلکه سرمایه گذاری برای آینده فرهنگی جامعه است.

● «بوم»؛ روایتی ضد جنگ از زبان موشک ها

نمایش «بوم» به کارگردانی سهیل سهیلی و تهیه کنندگی جواد لیانی این روزها در تماشاخانه استاد نوری حوزه هنری روی صحنه است. اثری با نگاهی متفاوت به مفهوم جنگ که روایت خود را نه از زبان قربانیان، بلکه از زبان دو موشک بیان می کند. سهیلی که متن نمایش «بوم» را پیش از آغاز جنگ اخیر و در بهمن ماه سال گذشته نوشته است، درباره چگونگی شکل گیری ایده این نمایش می گوید؛ من سرباز پدافند هستم، به همین واسطه روایت های مختلفی درباره جنگ قبلی (جنگ دوازده روزه) از باقی سربازها شنیده بودم، براساس همین روایت هاینز تصمیم گرفتم نمایشی ضد جنگ بنویسم؛ نمایشی درباره ساده ترین و بدیهی ترین داشته های انسان که جنگ آن ها را از ما می گیرد. او با اشاره به تلاش خود برای خلق فضای جدید و خلاقانه در نمایش بیان می کند؛ من دوست داشتم فضای کارم شبیه به باقی آثار ساخته شده با محوریت جنگ یا ضد جنگ نباشد. از همین رو روایت داستان را به دو موشک سیردم. سهیلی ادامه می دهد؛ اینکه یک سرباز یا فردی که خانه اش را از دست داده بگوید جنگ بد است، قابل پیش بینی و شعاری است، اما وقتی یک موشک بگوید جنگ بد است، زاویه دید تازه ای شکل می گیرد. این کارگردان جوان، کمدی را بهترین ابزار برای انتقال پیام اثر می داند و درباره انتخاب فضای کمدی برای روایت داستان «بوم» بیان می کند؛ کمدی مخاطب را خلع سلاح می کند. به نظر من وقتی تماشاگر با یک کاراکتر می خندد و همذات پنداری دارد، حتما با مرگش آشفته می شود. یعنی هر اتفاقی برای آن کاراکتر رخ دهد برای مخاطب مهم است. از همین رو کمدی نه فقط خنده بلکه می تواند طیف گسترده ای از احساسات را در مخاطب فعال کند. به گفته سهیلی نمایش «بوم» پیش از اجرای عمومی در جشنواره تئاتر ارتش نیز حضور داشته و موفق به کسب شش جایزه شده است. با این

حال، آغاز جنگ و تعطیلی اجراها، برنامه گروه برای اجرای عمومی را به تعویق انداخت. او درباره چالش هایی که در روند تولید نمایش «بوم» این کارگردان درباره وضعیت استقبال مخاطبان پس از بازگشایی سالن ها بعد از چند ماه می گوید؛ خیلی ها معتقد بودند در این شرایط اجرای نمایش اشتباه است و مخاطبی وجود ندارد، اما ما از روز نخست با استقبال خوبی روبه رو شدیم و اجراها با ظرفیت کامل برگزار شده اند. او یکی از عوامل مهم در رونق دوباره اجراها را بازگشت امکان تبلیغات در فضای مجازی می داند و تأکید می کند؛ امروز اینترنت مهم ترین بستر معرفی آثار نمایشی است. خوشبختانه ما هم خوش شانس بودیم و شروع اجرایمان با بازگشت اینترنت بین الملل هم زمان شد. سهیلی در پایان با اشاره به تعطیل نشدن تئاتر در دوره های مختلف می گوید؛ نیاز مخاطب به تئاتر هیچ زمان از بین نمی رود، طی چند ماه گذشته هم به نظر من مخاطب بود، ولی تئاتری برای اجرا وجود نداشت. درواقع به دلیل شرایط کشور هیچ کس جرئت نمی کرد کاری را روی صحنه ببرد. اما بدیم که با آرام تر شدن شرایط با روی صحنه رفتن اولین نمایش، بقیه گروه ها نیز اجراهایشان را آغاز کردند و مخاطبان هم به سالن ها برگشتند.

● نمایشنامه خوانی در کافه ها؛ تلاشی برای جذب مخاطب در سوی دیگر جریان تئاتر مشهد، احسان دلدار با اجرای نمایشنامه خوانی «جمعه ای در خانه مارا» نوشته مارتین مک دونا، تجربه ای متفاوت را در فضای کافه کتاب دنبال می کند. دلدار دلیل انتخاب این متن برای اجرا را ویژگی های ادبی آثار مک دونا می داند و در این باره توضیح می دهد؛ در نمایشنامه خوانی، بار اصلی اجرا بر دوش کلمات و بیان بازیگر است، مک دونا نیز نویسنده ای است که کلمات آثارش قدرت تصویرسازی بالایی دارند و همین ویژگی آثار او را برای



نمایش «سیرک سیار»

اجرا در قالب خوانش مناسب می کند. به طور کلی نیز مک دونا نویسنده مورد علاقه من است و دوست دارم تمام آثارش را اجرا کنم. به گفته او نمایشنامه «جمعه ای در خانه مارا» داستان مردی را روایت می کند که در جریان مراسمی سنتی در ایرلند متوجه ناپدید شدن جسد همسرش می شود و ماجرا به پرونده ای جنایی و پیر رمز و راز تبدیل می شود. دلدار که اجرای اثر در قالب نمایشنامه خوانی را بخشی از مسیری می داند که برای توسعه اجراهای کوچک و کافه ای انتخاب کرده است، بیان می کند؛ علاقه مندم از ظرفیت فضاهای فرهنگی کوچک و کافه ها استفاده کنم. این شیوه می تواند ارتباط مستقیم تری میان هنرمند و مخاطب ایجاد کند.

او با اشاره به کمبود سالن های تئاتر در مشهد نیز می گوید؛ تعداد دانش آموختگان تئاتر بسیار بیشتر از ظرفیت موجود برای اجراست. از همین رو نمایشنامه خوانی و اجراهای کافه ای می توانند فرصت تازه ای برای حضور نسل جوان در عرصه اجرا بدون هزینه های سنگین فراهم کنند. دلدار درباره آشنا بودن مخاطبان با اجراهای کافه ای نیز بیان می کند؛ در شهر مشهد با چند میلیون جمعیت، تعداد مخاطبان ثابت تئاتر شاید حدود ۲۰ هزار نفر باشد که اغلب این تعداد هم تئاتر را در قالب نمایش های قاب صحنه ای و بلک باکس دنبال می کنند. از همین رو باید تلاش زیادی انجام داد تا مردم با اجرای کافه ای آشنا شوند و آرام آرام این شیوه اجرایی جا بیفتد و مخاطب خودش را پیدا کند. این کارگردان همچنین بر ضرورت حمایت نهاد های مختلف از فعالیت های فرهنگی تأکید می کند و صحبت هایش را این گونه ادامه می دهد؛ هنرمند باید انرژی خود را فقط صرف تولید اثر کند و فراهم کردن بسترهای تبلیغاتی و جذب مخاطب، باید برعهده سازمان ها باشد. دلدار باور دارد با بازگشت جامعه هنرهای نمایشی به صحنه پس از ماه ها رکود، مخاطبان نیز به سالن ها برمی گردند. او یادآور می شود؛ مردم به دنبال تجربه های تازه فرهنگی هستند و به نظر من با استمرار اجراها، دوباره شاهد رونق تئاتر خواهیم بود.

۸ آبان ماه ۱۴۰۶ در مشهد مقدس برگزار خواهد شد. مشاور عالی بنیاد بین المللی امام رضاع (افزود؛ در این نشست مشترک همچنین مقرر شد بعد از ارزیابی برگزاری دوره دوسالانه و اعطای جایزه، در صورت تحقق اهداف؛ رویدادهای بعدی به صورت بین المللی برگزار شود.



یک عملیات طولانی

درباره سریال «گذرگاه»، ساخته جواد میرزا آقازاده



محمد عنبرسوز اپخش سریال «گذرگاه»، محصول سیما فیلم، هفته گذشته پس از بیست وشش قسمت به پایان رسید؛ مجموعه ای به کارگردانی جواد میرزا آقازاده، تهیه کنندگی محمد مصری پور و نویسندگی امین و مصطفی حسینپنون که تلاش کرد در قالب یک درام پلیسی و امنیتی در بستر تاریخ انقلاب اسلامی، روایتی از فساد سازمان یافته، عدالت طلبی و ایستادگی در برابر شبکه های پنهان قدرت را ارائه دهد. سریال جدید شبکه اول سیما، روایتی در بستر تحولات دهه ۶۰ بود که به ماجرای کشف و انهدام یک شبکه مافیایی زمین خواری، فساد و قاچاق عتیقه، باقی مانده از دوران حکومت پهلوی، می پرداخت؛ اثری که متناسب با قواعد ژانری تولید شده بود، اما به شدت طولانی و فرسایشی شد تا یکی دیگر از تجربه های شکست خورده رسانه ملی در عرصه سریال سازی طی سال های اخیر لقب گیرد.

نقد روز

● ساختمان مهندسی ساز قصه

پیرنگ اصلی «گذرگاه» بر مفقود شدن یک افسر شهربانی به نام ناصر بهجت استوار بود؛ افسری که در پجوبحه انقلاب به اسناد و مدارک حساسی دست یافته و قصد افشاگری دارد، اما ناگهان برای ۱۰ سال ناپدید می شود و در نهایت، با حافظه ای از دست رفته و جسمی فرسوده، به صحنه بازمی گردد. همین خط داستانی، موتور محرک قصه ای است که میان فضای امنیتی، عملیات های مسلحانه، شطرنج اطلاعاتی و البته قدری ملودرام خانوادگی رفت وآمد می کند.

سریال جواد میرزا آقازاده، با توجه به امکانات و محدودیت هایش، ترکیب به قاعده ای از الگوهای پلیسی و مختصات درام های حادثه ای را در قسمت های مختلفش توزیع کرده بود. علاوه بر این، نویسندگان «گذرگاه»، جسورانه از خلق موقعیت های تلخ نیز ابایی نداشتند، تا جایی که شخصیت تعیین کننده «مهدی» را، در میانه های راه، حذف کردند و کاراکتر «پروانه» را نیز تا آخر در سطح همان فلش بک ها نگه داشتند. بااین حال، فیلمنامه «گذرگاه» در کلیت خود ساختاری کلاسیک و استاندارد داشت که می توان از آن به عنوان نقطه قوت این اثر یاد کرد، متنی که برخلاف بسیاری از سریال های تلویزیونی سال های اخیر، درگیر خرده پیرنگ های اضافی و ماجراهای بی ربط نمی شود و تقریباً تمامی شخصیت هایش به کار قصه اصلی می آیند و جنبه تزیینی ندارند.

● به کام سفارش دهنده

از سوی دیگر اما، «گذرگاه» از همان نقطه ای آسیب دید که بسیاری از آثار تلویزیونی را زمین گیر می کند، حتی اگر از مواردی همچون انتخاب نام خانوادگی «حقیقت» برای دو شخصیت اصلی و دیالوگ های متعدد درباره پایداری در راه افشای حقیقت یا نام گذاری کاراکتر جاسوس با عنوان «صابر سلیم» و کنایه مستقیم به اینکه «نه صابر است و نه سلیم» هم چشم پوشی کنیم، شعارزدگی در قالب دیالوگ های مستقیم، نقطه ضعف بزرگ فیلم نامه این سریال محسوب می شود که ظرافت اثر را مخدوش کرد. به نظر می رسد بخشی از این تأکیدهای گل درشت، محصول ملاحظات سرمایه گذار و تلاش برای گنجاندن پیام های مستقیم در دل روایت باشد؛ پیام هایی که اگر به فریاد زدنشان اصرار نمی شد یا لاقابل با ظرافت بیشتری به مخاطب منتقل می شدند، «گذرگاه» در سطحی بالاتر از این قرار می گرفت.

● سر به هوا در اجرا

مشکل اصلی «گذرگاه»، اما، از جایی آغاز شد که طرح کلی فیلم نامه باید به متنی قابل فیلم برداری می رسید و مقابل دوربین اجرا می شد. در وهله نخست، متن چند حفره بزرگ روایی داشت که با منطق درام ناسازگار بودند. بارزترین نمونه این حفره ها به جایی مربوط می شد که نویسندگان، برای پیش بردن قصه، شخصیت های منفی را موقتا «کور و کر» کردند، به ویژه شخصیت سعید که در طول سریال به

● غافل گیری خوشایند

ترکیب بازیگران «گذرگاه» شباهت زیادی به اغلب تولیدات سال های اخیر تلویزیون داشت و از چهره های آشنایی بهره می برد که معمولاً در سریال های تلویزیون حضور دارند. بهترین بازی سریال بدون تردید به مجید آقا کریمی تعلق دارد؛ هنرپیشه ای قدرنا دیده که با چشمان نافذ و بازی درونی اش، از پس مهم ترین نقش «گذرگاه» برآمد و برخلاف اغلب همکارانش در این پروژه، به ندرت دچار اغراق یا بیرون زدگی شد.